

جهانی سازی و کشورهای سرمایه دار

ترجمه علیرضا زرین قلم

از قدیمترین تاریخ ثبت شده جهان، کشورهایی که منابع طبیعی فراوانی داشتند غنی و کشورهای که با کمی منابع روبه رو بودند فقیر نامیده می شده اند. برخورداری از منابع آب فراوان، زمینهای حاصلخیز، آب و هوای خوب برای زراعت و دامداری و معادن و سوختهای فسیلی، در زمینه نظامی و غیر نظامی به این کشورها قدرت می بخشید. با وجود این آنها راغب بودند که مرزهای خود را گسترش دهند. پس قدیمترین جهانی سازی در حد منطقه ای با غلبه بر کشورهای دیگر و بر بازارهایشان پدید آمد. انقلاب صنعتی در قرن نوزدهم و بیستم به طور شگاف کشورهای فقیر و غنی را از هم متمایز کرد. مطالعه تازه مرکز تحقیقات سیاستهای اقتصادی در لندن نشان دهنده این موضوع است که در این دو قرن، نابرابری کشورهای فقیر و غنی افزایش یافته و درست در سال ۱۹۵۰ در بالاترین حد خود قرار گرفته است.^(۱)

بعد از گذشت این دو قرن سطح زندگی مردم در کشورهای فقیر حدوداً ۵۰ درصد ارتقا یافت. ارتباطات جهانی بهبود یافته است و مارا از اختلاف سطح کشورهای فقیر و غنی آگاهتر ساخته و این به معنی افزایش فقر در جهان نیست. جهانی سازی از آنچه هم اکنون به آن پرداخته می شود از اجتماع بازارهای ملی به واسطه بازرگانی و سرمایه گذاری بین المللی پدید آمده است.^(۲) این، میزان و سطح انتقال کالاها، خدمات، نیروهای کاری و سرمایه را در سراسر جهان افزایش می دهد.^(۳) جهانی سازی امکانات فراوان، آزادی بزرگتر و امیدهای نو را برای دنیای فقرا فراهم می سازد. پس از شروع موج کنونی جهانی سازی که در سال ۱۹۷۰ آغاز شد مرگ و میر

اطفال در جهان به میزان ۵۰ درصد کاهش یافت. سواد

بزرگسالان ۳۰ درصد افزایش یافت و مدارس ابتدایی

بازگشایی شد و در این حال میانگین سطح زندگی مردم در طی

۱۱ سال افزایش یافت. با کاهش موانع جهانی و ترغیب به

تجارت و سرمایه گذاری جهانی، این جهانی سازی موتور رشد جهان شده که

در کاهش فقر نقش بسزایی داشته است. مطالعات نشان دهنده این موضوع

است که کشورهای در حال توسعه با اقتصاد باز، بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰

رشدی در حدود ۵ درصد داشته اند که این رشد با اقتصاد بسته در حدود کمتر از ۱

درصد بوده است.^(۴) امروزه ۲۴ کشور در حال توسعه که سه میلیارد نفر از

جمعیت جهان را در ان خود جای داده اند از قبیل چین، هند و مکزیک،

سیاستهایی را پذیرفته اند که شهروندانشان را قادر می سازد تا از مزایای

جهانی سازی بهره مند شوند. در نتیجه اقتصاد آنها به خوبی رشد کرده است. در مقابل، کشورهای که از مزایای جهانی سازی بهره مند نشده اند از قبیل ایران، پاکستان و کره شمالی، اقتصادی ایستایاد در حال سقوط دارند^(۴). آزادی در اقتصاد اصلترین عامل جهانی سازی موفق است. اصلترین کلیدهای آزادی در اقتصاد عبارتند از: انتخاب اشخاص، مبادله آزاد، رقابت آزاد و حمایت از اشخاص و سرمایه های آنها^(۵). دولتها با فراهم آوردن یک ساختار قانونمند برای اقتصاد و یک سیستم که اجزای کمی دارد تا از سرمایه های صحیح اشخاص و قراردادهای منصفانه شان حمایت کند، می تواند آزادی اقتصادی را رونق ببخشد. آنها همچنین با در دسترس قرار دادن اعتبار خوب یا با فراهم آوردن پول رایج که دارای ارزش ثابتی باشد یا با برداشتن موانع استفاده از اعتبارات که شرکتهای خصوصی یا دولتی فراهم کرده اند، می توانند آزادی اقتصادی را رونق ببخشند.

شاخص آزادی اقتصادی در جهان را که مایکل والکر در انیستیتو فارسر در کانادا و همچنین نوبل لورانت میلتون فریدمن، رشد و توسعه داده بودند^(۶) هم اکنون ۱۲۳ کشور جهان دارند و ثبات اقتصادی و سیاسی کشورها با این شاخص اندازه گیری می شود. جدول زیر حدود ۱۲ کشور را مقایسه می کند.

بعضی آثار بهره گیری از جهانی سازی عبارت است از: بهسازی آموزش، بهبودی کارهای فرهنگی، مدیریت مهارتها و انتقال فناوری اطلاعات و ارتباطات، بهبود بهداشت عمومی و خلاصه یک استاندارد بهتر برای زندگی. بهترین مثال نمونه بالا شرکت مک دونالد است^(۷) که برای هر منطقه غذاهای ویژه آن را دارد. این شرکت در مصر مک فلافل و در ژاپن جلبک دریایی برگرداند اما در کشور هندوستان هیچ لیست غذایی ندارد. مهمترین عامل جهانی شدن موفق این شرکت، کیفیت غذاها، مزه ثابت، خدمات خوب و سریع است.

مثالهای دیگر موفقیت در جهانی سازی، شرکت مایکروسافت است با تحقیقات نرم افزاری و توسعه مراکز، و مرکز خدمات ارتباطات تلفنی شرکت آمریکایی «Tele marketing» و صنایع خدماتی در هند. صنایع آمریکایی می توانستند نیروهای کاری تحصیل کرده هند را به کار بگیرند و با آموزش آنان در این کشور در حال توسعه به مقاصدشان دست یابند.

نمونه دیگر، ورود چین به بازار تولید انبوه در حد میلیاردی الکترونیک است و این چیزی جز نقش قاطع و خوب دولتهای محلی در بهبود جهانی سازی نیست. چین توانست صنایع بزرگ مانند «Panasonic»، «Motorola» و «Sony» را با تولیدات با کیفیت و با صرف کمترین هزینه تولید شکست زده کند.

اگرچه چین و هند جمعیتی بالغ بر ۲۳ میلیارد نفر را در خود جای داده اند آثار کنونی و مثبت جهانی سازی در این دو کشور مهم است. این دستاوردها عبارتند از: اسکان بهتر، آموزشی عالی، فناوری اطلاعات، دسترسی بهتر به دارو، امکانات پزشکی، زیرساختهای بهینه شده مانند جاده، حمل و نقل، بهره برداری از منابع آب و استفاده بهینه از آن.

ممکن است مامسئله جهانی سازی را طوری تحلیل کنیم که اتفاقاتی مانند انقلاب صنعتی این جریان را از پیشرفت باز دارد. برای مثال بخش بزرگی از تولید کنندگان در خارج از آمریکا به سر می برند و تولیدات خوبی دارند. نیروهای کاری آنها باید خود را برای کارهای بزرگتر و تولیدات جدید مبتنی بر تحقیقات تجهیز کنند. باید به مسائلی مانند فروش اینترنتی، تکنولوژیستهای جدید، راهکارهای فروش خوب، انبارداری و نامتمرکز کردن تولیدات توجه کرد.

جنبه منفی جهانی سازی، حمایت از فرآورده های داخلی با وضع تعرفه های گمرکی و یارانه ها و سیاستهای مساعد بازرگانی است که یک کشور توسعه یافته در مقابل ورود محصولات وارداتی موانعی تحمیل می کند تا از تولیدات داخلی خود حمایت کند. با وجود این، در عمل باید بررسی شود. مثال ما تعرفه های جدید گمرکی بر فولاد در آمریکا است که آقای بوش رییس جمهور آمریکا در ماه می سال ۲۰۰۲ وضع کرد. این باعث شد که سرانه تولید داخلی فولاد در آمریکا افزایش یابد اما صنایعی که تولید کننده مصنوعات فولادی و صنایع اتومبیل بودند و فولاد ارزان قیمت وارد می کردند قیمت تولیدات خود را تا ۲۰ درصد افزایش دادند^(۸). هزینه تعرفه گمرکی بوش بالغ بر ۷۳۲ هزار دلار ذخیره ارزی برای هر صنعتی که از فولاد استفاده می کرد بود اما در مقابل، حمایت از تولیدات داخلی کشورهای در حال توسعه خطر بزرگی برای اقتصاد آنهاست^(۹). برای مثال وقتی که مستعمره های انگلستان از مستعمرگی درآمدند و مستقل شدند بیشتر رهبران این کشورهای تازه استقلال یافته واردات را ممنوع کردند و داعیه «هر چیز را که وارد می کردیم باید تولید کنیم» را داشتند. این کشورها به بحران فرو افتادند و در نهایت کار، شروع کردند به قرض کردن برای تولید هر آنچه که احتیاج داشتند.

مثال بالا نشان دهنده این مطلب است که از طریق جهانی سازی می شود رشد اقتصادی جهان را تخمین زد. وقتی هر کشوری به این موضوع توجه داشته باشد که تولیداتی را که می تواند به خوبی و در حد بالایی داشته باشد صادر کند و آن راه اندازه ای تولید کند که می خواهد و کالاهایی را که نمی تواند تولید کند وارد کند این، نظریه تبادل است. پس با وجود این، کشورهای که در عرصه نظریه تبادل تولیداتی دارند، جلوتر از دیگر کشورها هستند و آن بدین معنی است که هر کشور در حال توسعه یا فقیر می تواند در این عرصه یکسری تولیدات داشته باشد^(۱۰).

بنابر این، جهانی سازی مجموعه ای پیچیده از فعالیتهای مهم وابسته است که در بیشتر مواقع با روشهای متفاوت اجرا

می‌شود^(۸). دانیل بل جامعه‌شناس آمریکایی درباره نظریه تبادل می‌گوید: ملتها برای حل مسائل بزرگ، بسیار کوچکند و برای حل مسائل کوچک نیز بسیار بزرگند. جهانی سازی به سرعت در حال نامتمرکز شدن است و آثار آن در بیشتر کشورهای غربی و غیر غربی دیده می‌شود. در این باره می‌شود گفت که «Colonization Reserve» یا استعمار معکوس به این معنی که کشورهای غیر غربی تحت تأثیر توسعه غرب قرار می‌گیرند در جهان در حال افزایش است، مثل پدیدار شدن مهندسان هندی در مایکروسافت و فروش برنامه‌های تلویزیونی برزیل در برنگال.

دو جنگ جهانی، بزرگترین عامل تنزل در برنامه ریزی اساسی همه کشورهای بود که رهبری جهانی سازی امروز را برعهده دارند^(۹). جهانی سازی ثابت و مقتدر، به قدرت ثابت مانند آمریکا نیاز دارد. حقیقت این است که هیچ دو کشوری از موقعی که با موضوعاتی احتجاج اقتصادی را آغاز کردند باهم نجنگیده‌اند اما حضور نیرویی مقتدر مانند آمریکا و حامیان آن، برای اعمال قدرت بر تهدیدکنندگان جهانی سازی مانند عراق و کره شمالی لازم است^(۱۰). نویل لورانت جوزف استیگلتنس در کتابش، «جهانی سازی و نارضایتی‌ها از آن»^(۱۱) از جهانی سازی ناموفقی که نتوانسته در رفع فقر کمکی کند تأسف می‌خورد. بحران اخیر در آسیا و آمریکای لاتین، عوامل اقتصادی و ثبات آن را در کشورهای در حال توسعه تهدید کرده است. او در این کتاب اشاره می‌کند به اینکه جهانی سازی به خودی خود نه خوب است و نه بد.

یکی از مشکلات جهانی سازی که به نظر می‌رسد، مسئله آزادی ستهاست^(۱۲). رشد اقتصادی که با جهانی سازی شهر سازی و آزادی رسوم جوامع سنتی نتیجه بخش خواهد بود، عامل حرکت است. بدین گونه که یک جریان تدریجی به وجود آمده است که از رسم و آیین و اصول و قواعدی بهره می‌گیرد که نسبتاً یادها رفته است و می‌تواند با این مسئله جدید سازگار باشد.

مسئله دیگر که خطری بارز است و به جهانی سازی حمله می‌کند مسئله تروریستهای بین‌المللی است که در جای ثابتی استقرار ندارند. راجر اسکروتون در کتابش که «غرب و آسیا: جهانی سازی و تهدید تروریسم»^(۱۳) نام دارد هشدار می‌دهد که ایده جنگ در برابر تروریسم حساسیت کمتری پرمی‌انگیزد چون تروریسم یک دشمن نیست بلکه روش دشمن است که برای نبرد با ما برگزیده است.

عامل خطرناک دیگر که بر جهانی سازی اثر نامطلوبی گذاشته گسترش بیماریهای واگیرداری است که با مسافرتها انتقال می‌یابد. جامعه پزشکان بین‌المللی در برابر سرعت انتقال بیماریهایی مانند سارس که در نقاط مختلف جهان مانند بندر بایجنگ چین و هنگ کنگ و تورنتوی کانادا شایع شده بود در مانده بودند. در دنیای مدرن که در حال جهانی شدن است هم کشورهای فقیر و هم کشورهای سرمایه‌دار، هر دو به یک نسبت در برابر بیماریهای جدید آسیب پذیرند. بهترین راه رویارویی با این وضعیت، قرنطینه کردن بیماران در مناطق مشکوک است و نیز محدود کردن رفت و آمد به این مناطق.

امروزه جهانی سازی در مسائل دنیای فقیر یا در ثبات اقتصاد جهانی اثری نداشته است و نادیده گرفتن این موضوع نه عملی است نه شایسته و مطلوب. جهانی سازی فرصتهای زیاد برای بازرگانی بهتر و دسترسی به بازارها و فناوریها را افزایش داده و سلامت افراد جامعه را بیشتر تضمین می‌کند. درماندگی جهانی سازی را در مقابل با رسوم غلط اقتصادی است. در ضمن، در سیاستهای جهانی سازی باید تجدیدنظر شود و باید از اشتباهات گذشته درس گرفت تا برای رشد دموکراتیک و فراهم ساختن فضای مناسب کاری از آن استفاده کنیم^(۱۴). توسعه نباید طوری باشد که بعضی از مردم را پولدار کند و دیگران را در فقر باقی بگذارد. جهانی سازی در حال انتقال جوامع و بهبود زندگی عمده کشورهای فقیر است و فرصت تحصیلات و سلامت جامعه را به همه می‌دهد. لازم است کشورهای توسعه یافته در این زمینه رسوم خود را بین‌المللی کرده و آن را بهسازی کنند. در ضمن، کشورهای ثروتمند التزام داشته باشند به اینکه کشورهای فقیر را یاری دهند.

منابع

1. "A World of Good", Online Articles About Globalization, A World Connected, July 10, 2002, p 1.
2. John Manzella, "Globalization's Effects", Online Articles About Globalization, A World Connected, September 1, 2002, p 1.
3. "Globalization Terms and Definitions", A World Connected, 2003, p 3.
4. "Economic Freedom of the World: 2002 Annual Report, The Fraser Institute, Canada, 2002, pp 5, 11.
5. Radley Balko, "Globalization & Culture: Americanization or Cultural Diversity?", Backgrounders, A World Connected, 2003, pp 3, 5.
6. Stephen Spruell, "Protectionism" Tariff, Subsidies, and Trade Policy", Backgrounders, A World Connected, 2003, pp 2, 3.
7. Brink Lindsey, "Against the Dead Hand: The Uncertain Struggle for Global Capitalism", John Wiley & Sons, New York, 2001.
8. Anthony Giddens, "Runaway World: How Globalization is Reshaping Our Lives", Routledge, New York, 2000, pp 30, 31, 34.
9. Thomas L. Friedman, "The Lexus and the Olive Tree", Farrar, Straus & Giroux, New York, 1999, p 373.
10. Joseph E. Stiglitz, "Globalization and Its Discontents", W.W. Norton & Company, New York, 2002, pp 6, 247-252.
11. Roger Scruton, "The West and the Rest: Globalization and the Terrorist Threat", ISI Books, Wilmington, DE, 2002.
12. Peter Singer, "One World" The Ethics of Globalization", Yale University Press, New Haven, CT, 2002.